

مکثی برچگونگی مبارزه با فساد و فقدان تفکر اصلاحات در افغانستان !



بیوسته گذشته بخش یکصدوشصت وینجم

می گویند پیری را فوائید بسیار است از آنجمله بیماری « نسیان » ! لذا گمان کامل می رود که در ایام غیبت آنجا که زمان توقف میکند و همه به خواب صغری رفته اند این جمله حکیمانه را که « چون بدی پیش آید از بدتر بترس » از قصیده های خواب نامه معروف موسوم به « خوبونه اوتعبیرونه » یا همان مانیفیست ظهور منجی بوده باشد . اما از اینکه معمول خواننده گان ما عزیز مان این است که هر یکی از « شعارهای » تازه واردانی که سوار **قطار خونین صلح** میشوند تا آخر نرسانند رها نه می کنند ؛



خوشبختانه در یک صبح دل انگیز وقتی یکی از مرشدانی که بخاطر رسیدن به دالرهذیان گوئی میکرد و برای اجرای یک برنامه داعشی تقدیس شده در آب زمزم آل سعود از لغمان شریف زادگاه حضرت حنیف خان اتمر ظهور کرد و شعار میداد

<https://www.youtube.com/watch?v=eiVZZd7mUTU>

که من از جانب خدا آمده ام که خدا اراده کرده تا بر همه برده گان و بیچاره گان زمین منت بگذارد و خدا ندای این تحقیر شده گان را شنید و بر وی الهام کرد . شعار میداد که قصد دارد پیامش را به همه بیچاره گان از جلال آباد تا کابل و سرتاسر افغانستان و سرانجام به همه زمین یان برساند .

<https://www.youtube.com/watch?v=Ts9ivORqjMk>

وقتی از راه جلال آباد به معیت هزاران تن از جنگجویانش که می گفتند یاران غار وی اند به کابل رسید و مهمان کاخ ها شد و دیدیم که باردیگر کاخ های عظیم و پرشکوهی بنام او سرکشیده و در میان تحقیر شده گان شمشیر های را به نمایش میگذارند که آیات کشتار بر آن آنها نوشته شده اند و باردیگر با زبان جنگ اما درجامه صلح سخن می گویند و دیدیم که در پاداش کشتار جوانان بی نوای افغانستان کاخ های مجالی را تحویل گرفت و نمائنده گانش به همه بازمانده گان قربانیان جنگهای داخلی هوشدار دادند که باید از منجی عذر خواهی کنند در غیر آن سرنوشت سخت تری نسبت به کسانی که در جنگهای مغلوبه کشته شده اند در انتظار شان خواهند بود . بدین سان وی مهمان کاخ هاشد و آغشته به قدرت و ثروت !

<https://www.youtube.com/watch?v=hxND1zAwHGQ>

جالب است که دریکی از روزهای گرم بهاری حامد خان کرزی بذله گوی معروف و درعین حال بزرگترین معامله گر افغانستان پس از صحبت تلفنی با منجی و امام در دارالخلافة شرف حضور یافت و هر دو از شعار های مفتکی و من وسلوای که در بدل فروش میهن و ارزشهای ملی ارتزاق میشوند خندیدند و یادگشته را تازه ساختند و بدین سان داستان شکار یکی از بزرگترین جنگجویان را خاتمه بخشیدند و ما نیز مانند گذشته بحث های مانرا به اصل بحران در جامعه معطوف میداریم



ریشه ها و زمینه های فساد در افغانستان

بار ها گفته ام و نوشته که برای دریافتن درست و دقیق یک بحران وفاجعه در عصر کنونی باید به سرچشمه های اصلی شناخت بحران پی برد ، در دوران بیداری ضد استعماری و ضد استبدادی و جنبش های آزادی بخش ملی توجه به داشتن یک اجندای پویا و دینامیک ضرورتی است که نباید از آن بدین آسانی چشم پوشید . سوال اینجاست که چه کسی نه میداند افغانستان به کاروان سرای می ماند که بدون داروغه و حاکم و نقشه راه بومی به اساس فن فالیبینی و استخاره مدیریت می شود . اینجاست که در میتود های فالیبینی و استخاره ای پارادایم عدالت نه بصورت یک سیستم علمی بلکه به اراده و ارباب و حاکم تأمین می گردد .



نبايد فراموش كرد كه اين تنها جنبش های مذهبی و غیر مذهبی در افغانستان نیستند که وقتی نه توانند به نیازهای واقعی انسان امروزی پاسخ دهند روبه شعارهای پارادوکسیال و متحجرانه رو می آورند که دینداران و پیروان مذهب دین را همه جهان شمول و حلال همه نیازمندی های انسان امروزی میدانند. درحالیکه وقتی دربرابر مسائل امروزی درحوزه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قرار میگیرند به تیوری های سنگواره ای قبل از ظهور دین مبین اسلام ویا هم به نسخه های نخستین دوره اسلام اشاره میکنند . طبیعی است که در این صورت حوزه حقوقی و اقتصادی دین از اعتقادات و باورهای

متعلق به شناخت خدا تفکیک می گردد و در نهایت امور حوزه علمی ، جامعه شناختی بویژه اقتصادی را به متخصصین حوزه علوم اقتصادی و تاریخی واگذار میکنند. !!

<https://www.youtube.com/watch?v=1Hnkq3R-ZoU>

در حالیکه در میدان نبرد اندیشه ها بر تطبیق **صد درصدی دین مقدس اسلام** حساب باز میکنند . علت اصلی بوجود آمدن این پارادوکس در حوزه اندیشه نا باوری بر فرآیند **اجتهاد پویا** در تاریخ بشر است که از نظر چنین دینداران و یاهم هواداران دیگر ایدیولوژی ها تاریخ ساکن است و انسان نیز محکوم بر پذیرش آن سکون پنداشته می شود! در حالیکه کاملاً بی معنی خواهد بود که قبل از اینکه سرشت – هویت و فطرت انسان شناخته شود و نسبت به وی خوب و بد معین شوند ، مکتبی ، راه و روش و ایدیولوژی و اخلاقی بر مسیر زندگی او تعیین نمایند . چنانچه از همان آغاز حاکمیت نوین و سقوط رژیم طالبان بدینسو نقشه راه مردم افغانستان را تدوین ساختند بدون آنکه فلسفه خلقت انسان سرزمین افغانستان یا داستان آفرینش وی را بصورت اصلی که من آنرا توحیدی می نامم بازگو شده باشد ، و از همه مهمتر ارزشهای تاریخی و جغرافیای توأم با نیازهای این انسان سرزمین افغانستان حلاجی نموده باشند .

فقدان عدالت اقتصادی زمینه ساز جنایات در افغانستان !

ما در مباحث گذشته به موضوع تسوید مسوده قانون اساسی افغانستان در **مؤسسه رند Rand** بنام **دموکراسی در قانون اساسی جدید افغانستان** که به عنوان نقشه راه برای افغانستان جنگزده در نظر گرفته شده بود بدون آنکه تسوید کننده گان از دموکراسی اطلاع داشته باشند به عنوان عصای راه ملت ستمدیده افغانستان در نظر گرفته شد و در لویه جرگه تاریخی مردم افغانستان به عنوان وثیقه ملی به تصویب رسید . مشکل اساسی ای که به عنوان یک پارادوکس میان دموکراسی و دین اسلام بوجود آمده بود از آنجا نشئت میکرد که هیچگونه پیش زمینه های دموکراسی لبرال و غیرمتعهد با قرئت متحجرانه و غیر عقلانی از اسلام وجود نداشت بدین معنا که نوع دموکراسی و مردم سالاری لبرال که در مسوده موسوم به **دموکراسی در قانون اساسی جدید افغانستان** پیش بینی شده بود از سنخیتی با قرئت حاکم و متحجرانه از مذهب بویژه در حوزه حقوق بشر بهره مند نبود . شاید یکی از علل اصلی هم آهنگی پنهانی دموکراسی غیر متعهد لبرال با قرئت متحجرانه از مذهب با توجه به این اصل طبقاتی بوده باشد که در این قرئت خداوند بر مبنای آیه مبارکه **تُعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ** به هرکه بخواهند عزت و به هرکه هم ذلت اعطاً میکند ، یعنی هرم ها و محورهای **عزت و ذلت** در این قرئت سنگواره ای جاده صاف کن نظام سرمایه داری با شیوه استثماری و مافیائی تلقی میگردند .

